

نکاح

عقد نکاح و شرایط عمدہ و

اساسی عقد نکاح

تألیف

سعید محمدی

سرشناسه	: محمدی، سعید، ۱۳۶۴-
عنوان و نام پدیدآور	: نکاح، عقد نکاح و شرایط عمده و اساسی عقد نکاح
مشخصات نشر	: تهران: انتشارات آب خست، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	: ۷۶ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۹۳۰۶۳-۷-۴
وضعیت فهرست نویسی	: فیبای مختصر
یادداشت	: فهرست نویسی کامل این اثر در نشانی: http://opac.nlai.ir قابل دسترسی است.
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۸۲۲۶۵۵

نام کتاب: نکاح، عقد نکاح و شرایط عمده و اساسی عقد نکاح

تألیف: سعید محمدی

ناشر: آبخست

طرح روی جلد: حمیدرضا فعدی

حروف نگاری: گروه هنری رز

لیتوگرافی و چاپ: تهران

چاپ اول: ۱۳۹۴

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۳۰۶۳-۷-۴

قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

۷	 مقدمه
۱۲	 فصل اول - نکاح
۱۲	 بخش اول - تعاریف
۱۴	 بخش دوم - درخواستگاری
۱۹	 بخش سوم - نامزدی
۲۲	 اول - مطالبه خسارت
۲۲	 دوم - استرداد هدایا
	 بخش چهارم - شرایط و احکام مربوط به زمان خواستگاری تا زمان عقد
۲۴	 نکاح
۲۴	 قسمت اول - شرایط فردی و اجتماعی
۲۹	 قسمت دوم - شرایط شرعی و قانونی
۳۲	 فصل دوم - عقد نکاح
۳۲	 بخش اول - تعریف عقد و صیغه عقد نکاح
۳۶	 بخش دوم - شرایط عمومی عقد نکاح
۳۹	 بخش سوم - انواع عقد نکاح
۴۲	 بخش چهارم - مهر
۴۲	 قسمت اول - تعریف مهر

قسمت دوم - انواع مهر	۴۴
قسمت سوم - شرایط عمومی و احکام کلی و مسایل خاص مربوط به مهر:	۴۸
فصل سوم - شرایط عمده و اساسی عقد نکاح	۵۶
بخش اول - شرایط مثبت یا شرایط اساسی صحت عقد نکاح	۵۷
بخش دوم - شرایط منفی یا موانع نکاح	۶۶
بخش سوم - حقوق و تکالیف زوجین نسبت به یکدیگر	۷۳

مقدمه

خالق متعال در قرآن کریم، در آیات متعدد به خلقت انسان و آغاز حیات و شروع زندگی او توجه داده و با زیباترین اشارات که حکایت از خلقت انسان به صورت طبیعی از زمان و لحظه انعقاد نطفه، تشکیل جنین، دوران تکامل و بالاخره ولادت دارد به ما، می‌فرماید که این خلقت و این هستی عبث آفریده نشده بلکه حکمت بالغه الهی با این آفرینش راه تکامل و تعالی و سیر الی الله را، هدف قرار داده و برای رسیدن به این هدف است که در این راه طولانی و مسیر بی‌انتهای گام گذاشته‌ایم، که از سوی خدای و به امر او آمده و در ادامه این مسیر به او باز می‌گردیم که انا لله و انا الیه راجعون و این چنان است که در نگاهی گذرا به قرآن کریم در آیه پنجم متجلی، می‌بینیم که، یا ایها الناس ان کتم فی ریب من البعث فانا خلقناکم من تراب ثم من نطفة ثم من علقه ثم من مضغة مخلقة و غیر مخلقة لنبین لکم و نعرف فی الاحرام ما نشاء الی اجل مسمی ثم نخرجکم طفاً ثم لتبلغوا اشدکم...

ای مردم، ای انسانها اگر در تردید هستید در روز قیامت، در روزی که همه به پا می‌خیزید در پیشگاه قیامت و در محضر خداوند و

می‌گوئید چگونه ممکن است انسانهائی که مرده و مدفون گشته‌اند و استخوان‌هائی که خاک شده‌اند در محضر داور به پا خیزند، پس برای شما می‌گویم، ما شما را آفریدیم از خاک، که قبلاً نیز در هفتیمین سوره مبارکه قرآن، سوره الاعراف آیه کریمه یازدهم می‌فرماید، و لقد خلقناکم ثم صورناکم ثم قلنا للملائکه اسجدوا لآدم فسجدوا الا ابلیس لم یکن من الساجدین و دلیل این امر را هم به عنوان استدلال قیاس، چنین در آیه دوازدهم بیان فرموده که قال من منعک الا تسجد اذا امرتک؟ قال انا خیر خلقتنی من نار و خلقته من طین، که طین خاک با آب سرشته شده است و اشاره خداوند کریم به این است که روز ازل خاک را به آب سرشتیم و به آن شکل و صورت دادیم و آنگاه به فرشتگان فرمودیم این صورت را که آدم نام نهاده‌ایم سجده کنید، که این اهمیت آدم است چه سجده فقط مختص خالق است اما خود او، فرشتگان را می‌فرماید آدم را سجده کنید که همه چنین کردند به جز ابلیس که مقایسه می‌کند، که اول من قاس هو الشیطان الرجیم، و می‌گوید من از او بهتر و برترم که من را از آتش آفریده‌ای و او را از گل سرشته، و همین مقایسه و بعد تمرد موجب رانده شدن شیطان از بارگاه الهی گردید، به هر حال خداوند می‌فرماید اگر شک می‌کنید که دز رستاخیز چگونه ممکن است استخوانی که خاک شده است و دوباره به صورت خلقت به پا خیزید بدانید که در ابتدا گل سرشته شده‌ای که سابقه صورت هم نداشت ما به آن صورت داده و آدم را خلق کردیم و در ادامه آیه بیست و دوم سوره حج و آیات دیگر به ما توجه می‌دهد که ما انسان را مذکر و مونث آفریدیم و سپس با آمیزش و تولد و تناسل اراده نمودیم که شما را نطفه، به خون بسته، پاره

گوشتی، استخوانی و سپس تکامل دادیم به تولد طفلی و سپس رشد دادیم و سپس این نوزاد را تکامل داده به نوجوانی و سن رشد و جوانی و کمال و پیری رسانیدیم و چون با فرا رسیدن مرگ بمیرد تمام نشده و سپس او را زنده گردانیم و این حکمت خلقت است و اوست که زنده کند و بمیراند و سپس زنده کند و این طبیعی است که مسیر خلقت را تا قیامت هر انسانی بپیماید و طریق خلقت ازل تا رستخیز اساس هستی است و کل من علیها فان الا وجه ربک ذو الجلال و الاکرام و این قصه، واقعی ترین، حقیقی ترین، مستدل ترین، علمی ترین و مطمئن ترین، تصویر را از خلقت، از آفرینش آدم و حوا به عنوان جد اولیه و سر سلسله نسب خلقت انسان برای ما به تصویر می کشد که تصویر تاریخی آفرینش و فلسفه خلقت جفت است که چون دادار توانا آدم را آفرید، و شاید به دو دلیل به استدلال ما، اولاً رفع تنهائی و خستگی و کسالت او، ثانیاً و مهمترین دلیل آن، ادامه نسل آدم، جفت او حوا را بیافرید تا مونس او باشد که راویان گفته اند، چون آدم آفریده شده از تنهائی در بهشت دچار حزن و ترس گردید و به دلیل تنهائی و وحشت بود که احساس خستگی و فرسودگی نمود، که حال نیز اگر ما جلیس و مباشری نداشته باشیم در مدت کوتاهی خسته و افسرده می شویم، خداوند چون این را در آدم ملاحظه کرد خواب را به او مستولی گردانید (فالقی الله تعالی علیه النوم...) سپس آدم به خوابی عمیق فرو رفت و پاسی پس از این خواب چون بیدار شد و چشم گشود زنی را در کنار خود دید که ملبس به لباس حوریان بود و سر او را بر زانو گرفته بود، آدم پرسید تو کیستی؟ پاسخ داد من حوا هستم، (حوا به معنی اینکه از موجودی زنده، حی، آفریده شده است) این

بار آدم از خداوند پرسید، بارالها بارالها برای چه او را خلق کرده‌ای که اسمش حواست؟ خطاب شنید او را برای آسایش تو و رفع وحشت تو و از نفس خود تو و... هو الذی خلقکم من نفس واحده و جعل منها زوجها لیسکن الیها... و قال خلقت المرائه من ضلع اعوج و این همان تصویری است که قرآن کریم از خلقت آدم و حوا داده است که میلیون‌ها سال بعد زنی از دانشمندی پرسید، آیا درست است که ما زنان از دنده چپ مردان آفریده شده‌ایم؟ و چرا از سایر اعضا نه؟ و دانشمند جواب داد، اصلاً این سؤال غلط است، نه زنان از دنده چپ مردان آفریده شده‌اند و نه هیچگونه ارتباطی از این لحاظ بین زنان و مردان است، بلکه فقط یک زن بنام حوا (جده اولیه) از دنده چپ یک مرد به نام آدم آفریده شده است و لا غیر و بقیه زنان و مردان عالم نتیجه تناسل و تولدی هستند که خداوند در کره زمین برقرار نموده است آن هم بدین دلیل که اولاً مرد مخلوق تنها نباشد، ثانیاً برای او نسل ایجاد گردد، ثالثاً از سر مرد آفریده نشد تا بر او مسلط گردد، رابعاً از پای مرد آفریده نشد تا زیر دست و پای او قرار گرفته و لگدمال گردد بلکه از پهلوی وی خلق گردید تا به او برابر و مساوی باشد و از زیر بغل و دو دست مرد برداشته شد تا مرد او را نگهبان برده و نگهداری کند و از پهلوی چپ آدم که نزدیکترین نقطه به قلب اوست برداشته شد تا در قلب او جای گیرد و بدین ترتیب خداوند با حکمت بالغه خود در خلقت حوا و با ایجاد احساس و عشق و علاقه میل به زندگی مشترک را در آنان ایجاد کرد و این همان دلیلی است که همه انبیاء در شریعت خود میل به ازدواج را که اساس تشکیل خانواده و تولید نسل و ادامه مسیر خلقت است به عنوان اساس و هسته اجتماع

بشری بوجود آمده و سپس با پیدایش خانواده‌های متعدد و تکثر و پیشرفت هدف نظام خلقت و تداوم بشریت در جهت استکمال برآمده و سپس سعی در تحصیل اعتدال و توازن می‌نماید که این نیز کمال ثانوی و طبیعی انسان است.

بر همین اساس و با پیروی از همین مسیر حکمت و تعالیم و قواعد دینی و اصول حقوقی است که ما در این کتاب سعی کرده‌ایم سه اصل عمده و اساسی مربوط به جوامع بشری و به خصوص، جوامع اسلامی را در سه بخش مهم کتاب تحت عناوین نکاح و به عنوان نقطه آغازین تشکیل خانواده، هسته اساسی و اصلی اجتماع امت اسلامی پس از زوجیت، ولادت اطفال حفظ و نگهداری اطفال ولایت و حضانت آنها و در نهایت بخش گسیختن و انحلال خانواده، تحت عنوان موارد انحلال نکاح مورد بررسی و تبیین قرار دهیم.